

بررسی تحلیلی حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم

مصطفی کریمی پور^۱ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران
عادل ساریخانی: استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۶-۸۵
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده

یکی از مباحث عدالت بین‌نسلی، حقوق نسل‌های آینده است که به موجب آن مواهب الهی که از نسل قبل به نسل فعلی به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل گردد و هر نسلی حق استفاده از مواهب الهی را دارد؛ بدین معنا که طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود ندارد. آیات قرآن کریم مشتمل بر آموزه‌های مهمی در این زمینه است و خطابات عام قرآنی مبنی بر این است که آنچه در آسمان و زمین است، متعلق به همه انسان‌ها در هر نسلی است. به دلیل اینکه آیات الهی به صورت قضایای حقیقی بیان شده، علاوه بر نسل کنونی (موجودین)، شامل نسل آینده (معدومین) نیز می‌شود و بر ضرورت حفاظت از حقوق نسل‌های آینده و مواهب الهی تأکید دارد. قرآن در کنار توجه به بعد معنوی، بشریت را به رعایت حقوق نسل‌های آینده تشویق نموده و اصول و ضوابطی را برای حفاظت از این امر مقرر نموده است. این نوشتار در پی آن است با روش توصیفی و تحلیلی به حقوق نسل‌های آینده در قرآن کریم بپردازد.

کلیدواژه‌ها: حقوق، نسل فعلی، نسل آینده، مواهب الهی، قرآن کریم.

مقدمه

با نگاهی به متون دینی و آیات قرآنی، چنین دست می‌آید که نسل‌های آینده دارای حقوقی هستند که دین مبین اسلام به آن سفارش نموده است و آیات قابل توجهی، جهت رعایت حقوق نسل‌های آینده وجود دارد و با ارزش قائل شدن برای طبیعت، موجودات و کائنات، انسان را موظف می‌کند در کنار وظایف عبادی و اجتماعی خویش، توجه خاصی به رعایت و حفظ حقوق نسل‌های آینده داشته باشد و قرآن کریم، کتاب جامعی هست که هر امری را که بشر بدان نیاز دارد، بیان نموده است. خداوند متعال در جامعیت قرآن کریم می‌فرماید: «مَا قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ یعنی ما در این کتاب از بیان هیچ چیزی فروگذار نکردیم.» (انعام ۳۸۷) و در سوره نحل، آیه ۸۹ خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن است.» (نحل/ ۸۹).

یکی از مسائلی که در عصر حاضر مردم بدان نیاز دارند و دنبال پاسخ آن هستند؛ رعایت حقوق نسل‌های آینده است که آیا قرآن کریم بدان پرداخته است یا خیر؟ عقیده بر این است که همان‌گونه که نزول قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، نعمت‌های خداوند نیز برای همه نسل است و اختصاص به افراد و گروه خاصی ندارد. برخی حق‌ها را بدون توجه به جهان‌بینی الهی نمی‌توان تفسیر و تبیین کرد، برای مثال، اینکه آیندگان نیز حقی دارند و ما در برابر نسل‌های آینده مسئول هستیم، جز با نگرش الهی تفسیرپذیر نیست. نسل آینده‌ای که هنوز به دنیا نیامده چه حقی بر گردن انسان‌های عصر حاضر دارد و ما چرا باید در برابر آنها احساس مسئولیت بکنیم؟ این مسئله فقط با توجه به اعتقاد به خدا و هدف‌داری قابل پذیرش هست؛ یعنی دستگاه خلقت بر اساس غایت‌داری موجودات، همه افراد را به یکدیگر مرتبط ساخته و این خداوند است که حق‌هایی را بر عهده افراد نهاده و در مقابل هر حق، تکلیفی را مشخص کرده است. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۴۰). مسئولیت نسل‌های آینده و این حرف‌ها همه بر این اساس است که دنیا نظام حکیمانه‌ای دارد و این خلقت، به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود به این ترتیب که چون دنیا به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود، حق را خود خلقت به وجود آورده است، آن وقت ما در مقابل خلقت مسئولیت داریم (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۴۰).

درباره پیشینه این موضوع باید گفت؛ تحقیقی که به صورت مستقل به حقوق نسل‌های آینده در قرآن کریم پردازد، وجود ندارد. اغلب پژوهش‌های انجام شده به بررسی حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی و محیط‌زیست پرداخته‌اند، لکن در این میان مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت دین و محیط‌زیست» توسط عزیزاللهی فهیمی و علی مشهدی نگارش شده که به اهمیت محیط‌زیست و حفظ آن از دیدگاه اسلام پرداخته است و مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی عدالت به عنوان مبنای حقوق نسل‌های آینده» توسط مهدی فیروزی به قلم تحریر درآمده که در این پژوهش حقوق نسل‌های آینده از بُعد عدالت تکوینی و تشریحی بررسی گردیده است. مقاله دیگری تحت عنوان «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» توسط سید عباس پورهایمی، فرهاد دبیری و یلدا خلعتیری کتابت شده که به حقوق محیط‌زیست در اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور پرداخته است و پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «حقوق نسل‌های آینده از منابع حیاتی از منظر فقه و حقوق اسلام» در دانشگاه تهران توسط سید محمود هل‌اتایی به نگارش درآمده که به موضوعاتی مانند نظریه خطایات قانونی، وقف، وصیت و ارث پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع و نپرداختن به آن، برخی‌ها معتقدند؛ فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته و در دین اسلام به این امر اشاره‌ای نشده است که در این پژوهش جایگاه حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تحلیل مفاهیم

اصطلاح «نسل‌های آینده» و «حقوق نسل‌های آینده» مفاهیم اصلی و محوری این نوشته هستند که تبیین و تحلیل این مفاهیم، می‌تواند به برداشت‌های صحیح از ابعاد مختلف موضوع کمک شایانی نماید؛ بنابراین در این گفتار به بیان این واژگان می‌پردازیم.

۱-۱. بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم نسل

لغت «نسل» واژه عربی و مصدر است، در معنی اسم مفعول بکار رفته است (عکبری، ۱۳۱۹ق، ص ۵۳). به معنای انفصال و جدا شدن از چیزی نیز آمده است و در آیه ۵۱ سوره یس به همین معنا ذکر شده است «وَيُفَخِّ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» و نسل به فرزند و اولاد از آن جهت که از والدین خود جدا می‌شود، نیز اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰). در آیاتی از قرآن کریم نیز واژه نسل به معنای فرزند و ذریه بیان شده است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۴۷). مانند «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ هنگامی که ولایت و سلطه پیدا کنند با تمام قدرت در گسترش فساد در زمین می‌کوشند و مال و جان مردم را از بین می‌برند درحالی که خدا فساد را دوست ندارد» (بقره/۲۰۵). مراغی و فخر رازی در تفاسیر خود بیان نموده‌اند که احتمالاً مراد از نسل، فرزندان هستند (مراغی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۶۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۴۷). همچنین در روایات منقول



از ائمه اطهار علیهم السلام که در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره بقره وارد شده است نیز به معنای فرزند و ذریه بیان شده است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «فَقَالَ النَّسْلُ الْوَلَدُ، وَالْحَرْثُ الْأَرْضُ، وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَرْثُ الذَّرِيَّةُ؛ منظور از نسل ولد و حرث، زمین است و در جایی دیگر فرموده‌اند، حرث همان فرزندان است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص. ۱۸۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۱۰۰) امام کاظم (ع) فرموده‌اند: «النَّسْلُ هُمُ الذَّرِيَّةُ وَالْحَرْثُ الزَّرْعُ؛ منظور از نسل، فرزندان و منظور از حرث، کشت و زرع است» (همان). و نیز از امام صادق (ع) نقل شده «أَنَّ الْحَرْثَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ: الدِّينُ، وَالنَّسْلُ: النَّاسُ؛ منظور از حرث در اینجا: دین، نسل و مردم هستند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص. ۱۸۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۱۰۰).

اصطلاح «نسل» زمانی که با شجره‌نامه خاصی مرتبط باشد، معنای روشنی دارد، اما هنگامی که چشم‌انداز انتزاعی آن فراتر از چارچوب خانواده قرار گیرد؛ دارای معنای مبهمی خواهد بود. یک روش مجزا برای انتزاعی کردن این اصطلاح، این است که گروه مردم برحسب دسته‌های مرتبط با آمار و جمعیت‌شناسی، نسل حاضر هستند که دیگران به‌راحتی نسل‌های آینده، به‌عنوان کسانی که بعد از آخرین فرد نسل حاضر که در گذشته است، تولد یابند تعریف می‌شوند. به تعبیر دیگر، اصطلاح نسل‌های آینده به تمام افراد متولد نشده آینده با یک محدوده جغرافیایی خاص اشاره می‌شود (ساعد و کیل، ۱۳۹۰، ص. ۴۸).

ابهامی که در این بحث وجود دارد این است که دوره حیات با پیشرفت تکنولوژی و طبیعتاً با افزایش طول عمر متغیر است و به‌طور دقیق قابل تخمین و تعیین نیست، از آن جا که حتی امروزه طول عمر با تفاوت‌هایی که از نظر دستیابی به علوم جدید و تکنولوژی بین کشورها توسعه یافته و در هر حال توسعه وجود دارد متفاوت است و طبیعتاً آیندگان نیز با پیشرفت‌هایی که حاصل خواهند نمود دوره زندگی طولانی‌تری خواهند داشت. بنابراین با روشن نبودن دوره حیات، مفهوم نسل آینده نیز با تردید روبه‌رو خواهد شد. اصولاً مرز بین نسل حاضر و آینده کجاست؟ آیا همه انسان‌های زنده در هر لحظه را می‌توان نسل حاضر دانست؟ در رفع این ابهام باید گفت که به نظر می‌رسد طول حیات و موجودیت نسل‌ها مهم نیست، بلکه باید نسل را مجموعه‌ای از افراد بدانیم که به‌طور مستمر شکل‌دهنده آن هستند و بنابراین تفاوتی میان افراد یک نسل نیست. آنچه حائز اهمیت است وجود پایدار و مستمر انسان بر روی کره زمین است که از مجموع آن بشریت به وجود می‌آید، و می‌توان آن را به رودخانه بزرگی تشبیه نمود که همواره جریان دارد و از ترکیب جریان‌های آبی بزرگ‌تر می‌شود، به طوری که نمی‌توان بین اجزای تشکیل‌دهنده آن تفاوتی گذاشت؛ لذا هر چند ابهام در مفهوم نسل‌های آینده است ولی بشریت همچنان به‌عنوان یک نسل دارنده‌ی حق، شناسایی شده است (امامی مبین، ۱۳۹۵، ص. ۲۸).

۱-۲. بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم حقوق

«حقوق» واژه عربی و جمع حق است و در لغت به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت، وجود

ثابتی که انکار آن روا نباشد (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص. ۵۴۵؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص. ۱۴۵). وجود مطلق و غیر مقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری تعالی (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص. ۶۸۳) و به معنای موافقت و مطابقت، آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۰۵). بسیاری از لغت‌شناسان بر واژه «ثبات» به عنوان اصلی‌ترین معنای «حق» تأکید نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص. ۴۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص. ۱۵).

در کتاب‌های فقهی تعاریف متعددی برای واژه «حق» از سوی فقها بیان شده است؛ مرحوم شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب آن را «نحوه‌ای توانایی و سلطه می‌شناسد» (انصاری، ۱۳۷۵، ص. ۲۱۴). برخی نیز آن را به مرتبه ضعیفی از ملک تعبیر کرده‌اند (یزدی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص. ۳۶۸). برخی معتقدند: «حق در حقوق اسلامی، توانایی خاصی است که برای کسی نسبت به چیزی اعتبار شده است و به مقتضای آن توانایی می‌تواند در آن چیز تصرف نموده و بهره‌ای ببرد.» (گرجی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۱). همچنین آیت‌الله‌العظمی خمینی (ره) در تعریف حق، معتقد است: «یک ماهیت اعتباری است که در پاره‌ای موارد عقلانی و در پاره‌ای موارد شرعی است، مثل اعتباری بودن ملکیت و سلطنت مانند سلطه بر مال و نفس و ولایت و حکومت» (خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۲۹).

در مقابل برخی معتقدند: اینکه معنای فقهی حق را، نوع یا مرتبه‌ای از ملکیت به حساب آوریم، ناصواب است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۷۵). چون اولاً در حق، صاحب آن می‌تواند افزون بر توانایی انجام و ترک آن، حق را از خود ساقط کند به همین جهت گفته شده: «الکُلُّ ذِي حَقٍّ أَنْ يُسْقَطَ حَقَّهُ»، ثانیاً متعلق حق همیشه عملی از اعمال است در حالی که متعلق ملک افزون بر عمل، شیء هم می‌تواند باشد. ثالثاً ملک سلطنت قویه را گویند و حق، سلطنتی ضعیف است؛ یعنی مالک مجاز به تصرف مشروع در ملک خود است اما صاحب حق جز برخی از تصرفات را که برای او معین شده، نمی‌تواند انجام دهد؛ پس در فقه زمانی از حق سخن گفته می‌شود، نوعی از سلطه و سلطنت در آن نهفته است: «الْحَقُّ سُلْطَنَةٌ فَعَلِيَّةٌ لَا يُعْقَلُ طَرَفِيهَا بِشَخْصٍ وَاحِدٍ»؛ حق سلطنت فعلیه‌ای است با فرض یک طرف قابل تصور نیست، بلکه باید قائم به طرفین باشد یک طرف صاحب حق که از آن سود می‌برد و طرف دیگر آن که حق بر علیه آن است و ادای آن را عهده‌دار است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۷۵). «الْأَجْرِيُّ لِأَحَدٍ الْأَجْرِيُّ عَلَيْهِ وَلِأَجْرِي عَلَيْهِ الْأَجْرِيُّ لَهُ» (سیدرضی، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۱).

با توجه به آنچه بیان شد؛ در پژوهش حاضر، ادعا این است که: «حقوق نسل‌های آینده، حقوقی است که به موجب آن منافع یک نسل اعم از طبیعی و غیر آن که از نسل قبل به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل می‌شود که به موجب آن صیانت از این حقوق، به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود که مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان‌آور و غیرقابل جبران است» که در ادامه به اثبات آن می‌پردازیم.

۲. تعلق طبیعت و مواهب الهی به نسل فعلی و نسل آینده

در ابتدا لازم است به این پرسش پاسخ دهیم که آیا این طبیعت و نعمت‌های موجود در آن، متعلق



به نسل فعلی است یا اینکه مشترکاً برای نسل فعلی و نسل آینده است؟ نسل فعلی تا چه میزان می‌تواند از این منابع خدادادی استفاده نماید؟ نعمت‌های الهی بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل برای همه انسان‌های آفریده شده است. طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و پرتری آنان به نسل‌های آینده ندارد و هیچ نسلی در استفاده از آن بر دیگر نسل‌ها ترجیح ندارد و تقدم یک نسل بر نسل دیگر دلیلی بر اولویت آنان در بهره‌برداری از منابع موجود و فعلی نمی‌باشد.

در دین مبین اسلام اولویت و برتری برای فرد و گروهی نسبت به دیگران نیست و همه در برابر حقشان مساوی‌اند و نمی‌توان مواهب الهی را در انحصار گروه یا فردی قرار داد (سید رضی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۷). مقام معظم رهبری در پیام به اولین همایش حقوق محیط‌زیست در این زمینه یادآور شدند: «خداوند زمین را برای همه انسان‌ها آفریده است، متعلق به بعضی نیست، بعضی حق بیشتری از بعضی دیگر ندارند و متعلق به نسلی دون نسلی نیست، امروز متعلق به شماست فردا به فرزندان شما، نوه‌های شما، دودمان شما تا آخر تعلق دارد در حقیقت، «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی را برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و تقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص. ۳۴).

به تعبیر دیگر، طبیعت از دیدگاه اصولی و به‌خاطر ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌اندازی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود. هرکسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد وظیفه دارد، دست کم همان قدر سرمایه را برگرداند (هوفه، ۱۳۸۸، ص. ۹۰). همان‌گونه که پدر و مادر برای فرزندان خود ارث باقی می‌گذارند، هر نسلی هم موظف به واگذاری میراث‌های ارزشمند و از آن جمله طبیعت سالم و زمین پربار برای نسل بعدی خویش است. اما حقیقت این است که ما اکنون در موقعیت وارونه‌ای به سر می‌بریم: مخارج و هزینه‌های نظام درمانی، بیمه‌بازنشستگی، وام‌ها و بدهی‌های ملی مرتب سیر فزاینده‌ای را نشان می‌دهند. از سرمایه‌گذاری در بخش‌های آینده‌ساز آموزش و پرورش و صنایع پایه‌ای کاسته می‌شود. چنین وضعی درباره نسل‌های آینده به طور کامل غیرمسئولانه و ناعادلانه عمل می‌کند (هوفه، ۱۳۸۸، ص. ۹۰)؛ بنابراین بهره‌برداری از منابع طبیعی به گونه‌ای که موجب ضرر و زیان یا محرومیت دیگران از آن شود، جایز نیست و این منابع به طور یکسان و مساوی حق همه مردم است؛ اعم از اینکه بالفعل موجود هستند یا در آینده به وجود می‌آیند. به‌عنوان مثال، هیچ‌کس حق ندارد هوای پاک‌ی که دیگران استنشاق می‌کنند را آلوده کند و آن را با گازهای مضر مخلوط کند، یا آب دریاها و رودخانه‌ها را با فاضلاب یا دیگر آب‌های آلوده، آلوده نماید یا زمین را با زباله آلوده کند یا با انجام آزمایش‌های هسته‌ای و شیمیایی امنیت و سلامت انسان را به خطر بیندازد؛ زیرا نسل‌های آینده نیز بر منابع طبیعی که خداوند به بشر عطا

کرده، حق دارند و همه در قبال این حق مسئول هستند. درست است که نسل‌های آینده اکنون وجود ندارند، اما شریعت الهی در این منابع حقی را برای آنها مقرر کرده است و در این حق با نسل معاصر و فعلی شریک هستند و باید حقوق آنان رعایت گردد. (منتظری، ۱۲۹۴ق، ص. ۲۱۳). بدیهی است که منظور از رعایت حقوق نسل‌های آینده، به منزله عدم استفاده نسل فعلی از مواهب الهی نیست، بلکه منظور استفاده و بهره‌برداری صحیح و اصولی از مواهب الهی که حقوق هر دو نسل به نحو احسن تضمین گردد.

۳. آیات دال بر حقوق نسل‌های آینده

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است و به دلیل اینکه، این آیات به صورت قضایای حقیقی مطرح شده‌اند؛ علاوه بر موجودین، شامل معدومین یعنی نسل‌های آینده نیز می‌شود و قضیه حقیقیه نیز قضیه‌ای هست که در آن حکم بر کلیه مکلفان وضع شده است و بر خود طبیعت بار شده است و این قابلیت را دارا است که بر هر فرد و مصداق خارجی صدق کند (خمینی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۳۱۶) و در آنها حکم به افراد مفروض الموجود با وصفی مشخص تعلق گرفته است؛ یعنی هم شامل افرادی می‌شود که آن وصف را دارند و در زمان صدور حکم وجود دارند و هم شامل اشخاصی می‌شود که بعداً و در آینده به وجود می‌آیند و واجد آن وصف خواهد بود (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۱۷۰) و به تعبیری دیگر، قضیه حقیقیه، قضیه‌ای هستند که موضوع آنها مطلق افراد طبیعت است چه آن که بالفعل موجودند و چه آنهایی که در آینده وجود پیدا می‌کنند، مثل مستطیع که حجج بر آن واجب است که منظور از آن هر فرد از افراد مستطیع است که شامل افراد محقق‌الوجود و مقدرالوجود می‌گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۴۷۰؛ صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۱-۱۲).

فقها و اصولیون نیز معتقدند غالب احکام شرعی به صورت قضایای حقیقی هستند به‌غیر از خصائص النبی که قضیه خارجی است و مختص رسول اکرم (ص) است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۶۲) و از طرفی دیگر خطابات قرآنی و شرعی بر دو دسته هستند ۱- خطابات شخصی که حکم برای طایفه و گروه خاصی بیان شده است یا فرد خاصی از میان مکلفین است مثل خطاب به حضرت موسی (ع): «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه/ ۲۴). (موسوی سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۳۳) یا خطاب به رسول اکرم (ص): «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده/ ۶۷). ۲- خطابات کلی حکم به‌طور کلی بیان شده و اختصاص به شخص یا طایفه خاصی ندارد مثل اینکه شارع مقدس فرموده: «كل مستطیع یجب علیه الحجج» یا «یا ایها الذین آمنوا» یا «ایها الناس» در این قسم حکم روی عنوان کلی قرار گرفته که در محدوده این عنوان فرد یا گروه خاصی مدنظر شارع نیست و ملاک در صحت آن نیز امکان انبعاث و حرکت به سوی امتثال از جانب گروهی از مخاطبان است و نه کلیه مخاطبان. مانند اوامر الهی که شامل افرادی که منبعث نمی‌شود، نیز می‌گردد. مثل کفار و گناهکاران که در قوانین عرفی نیز به همین صورت است و

شامل مجرمین و قانون‌گریزها می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص. ۴۵۳). خطاب آیات مذکور به صورت کلی هست که علاوه بر موجودین، شامل معدومین (نسل‌های آینده) می‌شود. بنابراین در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که ناظر به رعایت حقوق نسل‌های آینده بشری است. دلالت برخی از این آیات، به علت ذکر برخی از نعمت‌های الهی و برخی دیگر به دلیل خطابات آیه است که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهیم داشت.

الف. اولین آیه که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است، آیه ۱۹ سوره بقره است که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ و خدایی است که همه آنچه از نعمت‌ها در زمین وجود دارد برای شما آفریده است.» (بقره/ ۲۹). این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها به‌ویژه نسل‌های آینده صورت پذیرد؛ و بیان نعمتی از نعمت‌های الهی است و آنچه که در زمین است؛ بنامه از کوه‌ها، نباتات، حیوانات و جمادات متعلق به عموم مردم است (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص. ۵۲۰) و حضرت صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: این نعمت‌ها برای مصارف بنی‌آدم است تا از آنها معرفت به وجود صانع عالم قادر پیدا بکنند و وسیله بهشت جاویدان قرار بگیرند و از عذاب جهنم ایمن شوند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص. ۳۲۶). ب- دومین آیه مربوطه، در سوره اعراف بیان شده است که خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛ شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.» (اعراف/ ۱۰) این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان‌ها اعم از نسل حاضر و نسل آینده روی زمین قرار دارد، تا جایی که در آن وسایل زندگی او فراهم گردیده است و حق بهره‌گیری از امکانات زمین، برای همه انسان‌هاست و مخصوص گروه خاصی نیست (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۲۷۴) و به تعبیری دیگر؛ خداوند متعال بنی‌آدم را در زمین متمکن و متصرف نمود و لوازم معیشت و عیش را از مأكول، مشروب، مرکوب و ملبوس برای آنها آماده و مهیا نمود (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۴۱۲).

ج- آیه دیگر در سوره الرحمن ذکر شده است که خداوند می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ (خداوند) زمین را برای همگان قرارداد.» (الرحمن/ ۱۰). بر مبنای این آیه کریمه، زمین حق همگانی است و همه انسان‌ها حق دارند از آن بهره‌مند شوند؛ بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. زیرا خداوند متعال زمین را برای تمام انسان‌ها خلق نموده و ظرفیت زندگی همه انسان‌ها را در روی زمین لحاظ نموده است و لذا نسل فعلی نباید ظرفیت زندگی نسل‌های آینده را از بین ببرد.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۱۸۳).

د. آیه دیگر که دلالت بر ذخایر طبیعی به طور خاص دارد، آیه ۲۵ سوره حدید است که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافع برای مردم است.» (حدید/۲۷).

برخی از ذخایر طبیعی به دلیل داشتن ویژگی خاص، دارای منافع عمومی برای همه مردم است و در آیه مذکور آهن دارای چنین خصوصیتی است و به عنوان یکی از منافع عمومی معرفی شده است و چه بسا بتوان با تنقیح مناط بقیه ذخایر و منافع عمومی را تحت این آیه شریفه دانست و عبارت «نازل کردن آهن» اشاره به انزال آن از خزائن الهی و از عالم غیب به عالم شهود است و منافع آهن برای مردم نیز به سبب تأثیری که در تمام شعب زندگی و صنایع مرتبط به آن دارد، از توضیح بی‌نیاز است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۱۷۲) و در آهن منفعتی برای همه مردمان است و صنایع و حرفه‌ها را قوام می‌بخشد (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱۳، ص ۴۷). واژه «ناس» در آیه مذکور، به صورت مطلق بیان گردیده و شامل همه مردم در هر عصری می‌شود و اختصاص به مردم عصر نزول قرآن ندارد. در نتیجه آیه مذکور به دلیل ذکر یکی از نعمت‌های الهی «آهن» و واژه «ناس» ناظر به حقوق نسل‌های آینده است.

۴. وجه استدلال به آیات

استدلال به آیات مذکور بدین صورت است: اولاً: آیات مذکور به صورت قضایای حقیقی بیان شده‌اند و همان‌طور که در تعریف آن ذکر گردید؛ موضوع قضیه حقیقی، مطلق افراد طبیعت است و شامل موجودین و معدومین می‌شود و فقها نیز معتقدند غالب احکام شرعی و آیات قرآن کریم به صورت قضیه حقیقی وارد شدند (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۳).

ثانیاً: خطابات قرآنی در این آیات به صورت مطلق بیان شده و متوجه عموم مخاطبین است و خطاب واحدی که مخاطب آن متعدد است مانند الفاظ «یا ایها الذین»، «یا ایها الناس» که شامل کلیه افراد اعم از موجودین و معدومین می‌شود و اختصاص به گروه خاص یا شخصی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۱). در واقع شارع مقدس در این موارد در مقام جعل قانون برای کلیه مکلفین است و خطاب واحد، قانونی است که به عنوان کلی و عام تعلق یافته و لاجرم بر همه افراد قابل انطباق است و نسبت به همه مکلفین حجت است اعم از موجودین و معدومین (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۲۸). مانند قوانین بشری که توسط قانون‌گذار به تصویب می‌رسد و تبعیت از آن برای همه مردم کشور واجب است؛ اعم از اینکه در زمان تصویب آن قانون موجود بودند یا در آینده متولد شوند. در حقیقت می‌توان گفت که این آیات در مقام بیان احکام و وظیفه مکلفین و جعل قانون برای عموم مردم است.

ثالثاً: «الف» و «لام» به کار رفته در واژه‌های «ناس»، «انام» از ادات عموم استغراقی هستند که مفید عموم می‌کنند و دلالت بر تعمیم حکم بر همه افرادش اعم از موجودین و معدومین دارد (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۵۳).

رابعاً: به کارگیری تعبیری مانند «لکم»، «للأنام» و «الناس» در آیات مذکور، بیانگر این حقیقت است که مواهب طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جغرافیایی و نژادی جوامع مختلف، برای تمام انسان‌هاست. گویی رسالت این مخلوقات آن است که در خدمت انسان باشند. از این روست که تعالیم اسلام و نیز دستورات فقهی، همسو با تعمیم حق بهره‌گیری از مواهب طبیعت، برای همه افراد جامعه تنظیم و تدوین گردیده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص. ۷۳-۷۴)؛ بنابراین آیات مذکور علاوه بر نسل فعلی (موجودین) دلالت بر نسل آینده (معدومین) هم دارد، همان‌گونه که احکام الهی و خطابات قانونی شامل موجودین و معدومین می‌شود؛ استفاده از مواهب طبق آیات مذکور شامل نسل فعلی و نسل آینده می‌گردد زیرا نمی‌توانیم قائل باشیم که احکام الهی برای نسل آینده ثابت و ملتزم به احکام الهی هستند اما در مقابل، حق استفاده از مواهب طبیعی را نادیده انگاریم، به دلیل اینکه هرگاه تکلیفی برای انسان نسبت به امری پدید آید، در مقابل آن تکلیف، حقی نیز وجود خواهد داشت و اگر سخنی از حق بیان می‌شود در مقابل تکلیفی نیز وجود دارد و اثبات هرگونه حقی برای شخصی در جامعه، برای دیگران تکلفی را ایجاد می‌کند. نمی‌توان ملتزم شده که در جامعه همه دارای حقوق باشند؛ اما افراد حاضر در آن ملزم به رعایت حقوق یکدیگر نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۸).

نتیجه‌گیری

حمایت و صیانت از حقوق نسل‌های آینده یکی از مباحث مهم و حیاتی است که در راستای توسعه پایدار و انصاف بین نسلی است؛ بر اساس نتایج دست آمده از این پژوهش: سه مصداق برای مفهوم حقوق نسل‌های آینده متصور است: اول بر هر نسلی لازم است از منابع طبیعی حفاظت نماید. دوم، با بهره‌برداری از منابع طبیعی لطمات جبران‌ناپذیری به آن وارد نگردد. سوم، منابع طبیعی متعلق به همه نسل‌ها است و دلیلی بر اینکه متعلق به نسل خاصی باشد، وجود ندارد و متعلق به همه نسل‌ها بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل‌ها است و متعلق به نسلی دون نسل دیگر نیست. ولی نسل فعلی علی‌رغم داشتن حق استفاده از مواهب الهی، نباید با بهره‌برداری بیش از اندازه، لطمات جبران‌ناپذیری بر بیکره طبیعت وارد نمایند و همان‌گونه که حق بهره‌برداری و استفاده از این مواهب را دارند؛ در مقابل تعهد و تکلیف حفاظت از این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده را نیز دارند و به‌عنوان جانشین خداوند این امانت الهی را به آیندگان بسپارند که این امر موجب همبستگی بین نسل‌ها و ضامن توسعه پایدار و برخورداری همه نسل‌ها از مواهب الهی می‌شود. برخی به‌اشتباه بر این باور هستند که فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته است و در دین مبین اسلام هیچ اشاره‌ای به آن نشده است اما در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر بر رعایت حقوق نسل‌های آینده است که زمین و نعمت‌های الهی را برای همگان دانسته و نسل فعلی را در مقابل آن مسئول دانسته و همچنان که احکام الهی بر آیندگان ثابت است و مکلف به اجرای آن هستند، نعمت‌های خدادادی نیز به آنان تعلق دارد و مختص نسل فعلی نمی‌باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۸ق). لسان العرب، بيروت: دار صادر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقائیس اللغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۷۵ ش). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: موسسه النشر الاسلامیه.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۵ ش). مکاسب، بی‌جا: مطبعه اطلاعات.
- امامی مبین، مهرانوش (۱۳۹۵ ش). پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین الملل محیط‌زیست، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقیه، قم: نشر الهادی.
- تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶م). کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، بیروت: مکتبه لبنان.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱ ش). اصول فقه شیعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق). کتاب الطهاره (تقریرات اباحت آیت الله العظمی سید روح الله خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، نشر عروج.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن مقری (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸ ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، بیروت: الدار الشامیه.
- ساعدوکیل، امیر و عسگری، پوریا (۱۳۹۰ ش). نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران: انتشارات مجد.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). تهذیب الاصول (تقریرات اباحت آیت الله العظمی سید روح الله خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حسینی شاه عبدالعظیمی، سید حسین (۱۳۹۳ ش). تفسیر اثنی عشری، بی‌جا: انتشارات آذرینا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ ش). فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ ش). حق و تکلیف در اسلام، قم: نشر اسراء.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹ ش). فرهنگ نامه اصول فقه، قم: نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ ش). بیانات در دیدار مسولان و فعالان محیط‌زیست، تهران: منابع طبیعی و فضای سبز.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۸ ش). کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح الله (۱۴۲۰ق). معتمد الاصول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (۱۴۲۰ق).
- خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق). انوار الهدایه فی تعلیق علی الکفایه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). محاضرات فی اصول الفقه، بی‌جا: موسسه احیاء آثار آیت الله خوئی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه، قم: موسسه انصاریان.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۶ق). تهذیب الاصول، بیروت: دارالاسلامیه.



- مراغی، احمد مصطفی (۱۴۰۴ق). تفسیر المراغی، بیروت: انتشارات دارالفکر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ ش). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
- منتظری، حسین علی (۱۳۹۴ ش). رساله الحقوق فی الاسلام، بی جا: انتشارات سرایی.
- عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ق). التبیان فی اعراب القرآن، ریاض: بیت الافکار الدولیه.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۶ق). دروس فی علم الاصول، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳ ش). تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین، تهران: مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۸ ش). فعالان حقوقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هوفه، آلفرید (۱۳۸۸ ش). برداشت های فلسفی در باره عدالت، تهران: انتشارات اختران.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶ ش). فوائد الاصول، قم: موسسه النشر الاسلامیه.
- یزدی، سید محمد کاظم (۲۰۱۲م). حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (کتاب بیع)، لبنان: انتشارات دارالمصطفی.